

کرده است و آمریکا نیز این حق را به صورت تمام و کمال به وی داده است. بنابراین می‌کوشند تا مردم را به سمت جنوب غزه بکشانند تا در آینده بتوانند آنان را به سوی صحرای سینا یا منطقه دیگری بکوچانند. جریان دیگر هم باورمندان به «دیوار آهنین» هستند که اکنون باز هم در پی شکست جریان نخست از آن دم می‌زنند.

به هر حال از شروع درگیری در اکتبر شاهد دو برهه زمانی بودیم. در برهه نخست آنچه اتفاق افتاد تخریب اسطوره «ارتش شکست‌ناپذیر» و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل بود و شهروندان اسرائیلی هم با وجود بهره‌مندی از درآمد و اقتصاد بسیار مناسب دچار نوعی بیم‌وهراس شده‌اند و از همین رو بسیاری از کسانی که دارای ملیت‌های دیگر بودند از آنجا گریختند. برهه دوم کشتار و تخریبی بود که توسط ارتش اسرائیل اتفاق افتاد، اما آیا این همان هدفی بود که اسرائیل از وارد شدن به درگیری در سر می‌پروراند؟ این هدف عبارت بود از ریشه‌کن کردن حماس که به نظر می‌رسد این هدف نیز محقق نشده و اسرائیل پای به میدانی فرسایشی گذاشته که علاوه بر هزاردان سرمایه و نیروی مادی و انسانی‌اش متحمل فشار بین‌المللی هم خواهد شد. ▶

به سینا، عراق یا سرزمینی دیگر بفرستیم و یا به هر صورت که شده از شرشان خلاص شویم و این را هم مخالف اخلاقیات تاریخی خود که بسیاری از رهبران اسرائیل از آن دم می‌زنند نمی‌دانند. همان‌طور که دیدیم، نتانیاهو برای توجیه اقداماتش در غزه به داستان یوشع بن نون و جنگش با عمالقه و کشتار دسته‌جمعی‌شان در تورات استناد کرد. این توجیه دینی نتانیاهو برای کشتار در غزه بود و این گونه مردم غزه را شایسته مردن دانست. مدتی پیش یکی از خبرنگاران منصف اسرائیلی در گفت‌وگو با روزنامه هآرتز توجیحات رهبران اسرائیل برای قتل و غارت‌هایشان را چند نکته دانست: اول اینکه اسرائیلی‌ها خودشان را قوم برگزیده خداوند می‌دانند و دیگران را پایین‌تر از خود می‌دانند، دوم اینکه جریان هولوکاست در ذهنشان نوعی حق را برای انجام هر رفتار ایجاد کرده است و نکته سوم این است که می‌گویند آنچه ما انجام می‌دهیم خیلی ملایم‌تر از نمونه‌های دیگر در آفریقا یا خاورمیانه است. این توجیه دینی بسیار خطرناک است که می‌بینیم توسط افرادی غیرمعتاد، از هر تزل تا نتانیاهو، دنبال شده است. اما این گرایش امروز دچار ناکارآمدی شده است و اکنون نتانیاهو از آن دست کشیده و بر مسئله انتقام تکیه

چه اتفاقاتی می‌افتد؟ در پاسخ باید بگویم که تجربه تاریخی نشان داده است در این دوران، از جنگ جهانی اول تا دوران پس از جنگ سرد، بیش از هر چیز دیگر شعله جنگ برافروخته شده است.

ابعاد راهبردی و دینی در تحلیل طوفان الاقصی و مسئله فلسطین

حال به این مسئله می‌پردازم که آنچه را غزه و دنیا در این مدت شاهدش بود چگونه تحلیل می‌کنیم. آنچه اتفاق افتاد این بود که اهداف راهبردی مد نظر اسرائیل تاکنون محقق نشده و به همین سبب بر آن شده است تا اهداف راهبردی‌اش را مدام تغییر دهد. از تخریب و کوشش برای نابود ساختن مقاومت آغاز کرد و سپس به این بسنده کرد که تنها تجهیزات نظامی نیروهای مقاومت را از بین ببرد و مدتی بعد نیز بر ماجرای اسیران تمرکز کرد.

در میان اسرائیلی‌ها دو جریان وجود دارد که همواره با یکدیگر درگیرند. یک جریان باورمندان به نسل‌کشی (جینوساید) هستند و بر این باورند که در این منطقه هفت میلیون فلسطینی و هفت میلیون یهودی زندگی می‌کنند. اکنون یا باید فلسطینیان را از این منطقه خارج کنیم و

پرسش این است که چه نسبتی میان اروپایی که مهد فلسفه و منادی آزادی، لیبرالیسم، ارزش‌های انسانی، حقوق بشر، دموکراسی و حقوق حیوانات بود با این کشتارها و جنایت‌ها وجود دارد؟ پاسخ من به این پرسش این است که در نگاه عقل غربی انسان‌ها به هیچ روی برابر نیستند.

